

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش نظام‌های دست‌نشانده در نابودسازی ارزش‌های اجتماعی سرزمین‌های اسلامی و نقش اهل غیرت عامه مردم و

اهل قدرت در نابودی این نظام‌ها

(ترجمه)

جوامع اسلامی در معرض یک اقدام بزرگ، پی‌هم و سازماندهی شده‌ای قرار دارند که هدف آن نابودسازی ارزش‌های اجتماعی اسلامی می‌باشد. از کارکردهای نظام سرمایه‌داری و شاخه‌های حاکم آن در جامعه؛ چه جمهوری باشد یا شاهی به صورت واضح نقش این نظام‌های پلید و خطرناک در از بین بردن ارزش‌ها آشکار گردیده است؛ طوری که هیچ وسیله‌ای نیست که به خاطر نابودسازی این ارزش‌ها از آن استفاده نکرده باشند، چنانچه اگر سراغ شبکه‌های تلویزیونی برویم خواهیم دید که از طریق نشر سریال‌ها زهر کشنده‌ای را پخش می‌کنند که توسط آن اخلاق اجتماعی را هدف قرار می‌دهند. سریال‌هایی که در آن‌ها شخص فاسقی به عنوان یک فرد دلیر، با جرأت، شجاع و الگویی برای پیروی ظاهر می‌شود؛ چنین سریال‌هایی پایان نمی‌یابند؛ تا این‌که شاهد آن باشیم که افرادی در جامعه از آن‌ها تقلید نمایند، و در نهایت بی‌بندوباری و فساد را در جامعه به بار آورده و مردانگی را از جوانان و عفت را از دختران برابیند، که برهنگی و بی‌حیایی به عنوان تمدن، انحراف به عنوان پیشرفت و پای‌بندی به شریعت به عنوان عقب‌ماندگی شناخته شود.

در نتیجه‌ی تطبیق نظام سرمایه‌داری بالای مردم، ارزش‌های اخلاقی از مسیر اصلی آن خارج گردیده و محض کسب فایده‌های مادی استفاده می‌شوند و هم‌چنان نزدیک است تا ارزش‌های انسانی به صورت کل در جامعه از بین بروند؛ چنانچه مادیات روی آن‌ها اثر گذاشته است و می‌بینیم که در جامعه به منظور کسب هدف اصلی از آن‌ها استفاده نشده؛ بلکه وسیله‌ای برای کسب مال قرار گرفته‌اند.

علت به وجود آمدن ارزش‌های خشک روحی نیز عدم حکم به آن‌چه که الله سبحانه و تعالی نازل کرده است می‌باشد، که از اثر آن نفسیه انسان‌ها چنان سرگشته و حیران شده‌اند که رابطه‌شان را در هر عمل با الله سبحانه و تعالی درک کرده نمی‌توانند.

در این جا منظور از ارزش‌ها در واقع مقصد اصلی از انجام یک عمل می‌باشد و هدف از انجام یک عمل در دنیا کسب یک ارزش مادی، روحی، اخلاقی و انسانی می‌باشد؛ چنانچه هدف از اقدام به کسب ارزش‌های مادی؛ مانند: فعالیت‌های تجاری، زراعتی، تولیدی و امثال آن‌ها دریافت فایده‌های مادی می‌باشند. هدف از ارزش‌های انسانی؛ مانند: نجات دادن غرق‌شدگان و یاری رساندن به ستم‌دیدگان؛ نجات انسان‌ها، صرف نظر از رنگ، نژاد، دین و هر ارزشی دیگری بدون انسانیت می‌باشد. و هدف از ارزش‌های اخلاقی؛ مانند: راست‌گویی و صداقت، امانت‌داری و ترحم، مراعات نمودن ناحیه اخلاقی دین، صرف نظر از کسب فایده مادی و انسانیت می‌باشد که در بسا اوقات مراعات نمودن ناحیه اخلاقی با غیر انسان‌ها؛ مانند: ترحم بالای حیوانات و پرندگان نیز صورت می‌گیرد و گاهی هم امکان دارد که یک عمل اخلاقی ضرر مادی‌ای را در قبال داشته باشد؛ ولی با آن‌هم

کسب این ارزش واجب می‌باشد. اما هدف از ارزش روحی؛ مانند: انجام عبادات، کسب فایده‌های مادی نمی‌باشند و نه هم هدف از مراعات نمودن ناحیه انسانی و مسایل اخلاقی آن می‌باشد؛ بلکه هدف از آن محض عبادت کردن می‌باشد؛ به همین خاطر واجب است تا صرف نظر از سایر ارزش‌ها، تنها ناحیه روحی آن مراعات گردد.

ولی امروزه نظام‌های حاکم فقط به خاطر نهادینه ساختن یک ارزش در جامعه کار می‌کنند و آن هم عبارت از ارزش مادی می‌باشد که در نتیجه زندگی انسان‌ها را با مشکلات متعددی مواجه ساخته‌اند.

ما زمانی که از ارزش‌ها صحبت می‌کنیم؛ در واقع از میزان بیداری‌ای صحبت می‌کنیم که از امت سلب شده است؛ بناء طبیعی است که امت منحرف گشته و به طرف نظام‌های فاسد تمایل پیدا می‌کنند و در نهایت طعمه‌ی خوبی برای شکار شدن توسط این نظام‌ها قرار می‌گیرند.

در حقیقت نظام‌های حاکم در کمین‌گاه‌ها نشسته‌اند و نقش خود را در نابودسازی ارزش‌های جامعه از طریق حمل عقیده کفری سرمایه‌داری - عقیده‌ای که جوامع خودشان از بحران ارزش‌های آن رنج می‌برند - به خوبی انجام داده‌اند و برای غرب انتقال این ارزش‌ها به کشورهای اسلامی با کمک حکومت‌های دست نشانده کار دشواری نبوده است که بالاخره طعم تلخ آن را بالای مسلمانان چشاده و آن‌ها را در پرتگاه هلاکت قرار داده است، الله سبحانه و تعالی در این مورد می‌فرماید:

﴿وَإِذْ أَرْهَبْنَا أَنْ نُلَّاكَ فَوِيَّهٖ أَمْوَئًا مُّسَلِّمًا رَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا أَلَّا نَلَّهَا نَهَا نَمِيرًا﴾

[اسراء: ۱۶]

ترجمه: هرگاه بخواهیم شهر و دیاری را نابود گردانیم، افراد دارا و خوش‌گذران و شهوت‌ران آن‌جا را سردار و چیره می‌گردانیم، و آنان در آن شهر و دیار به فسق و فجور می‌پردازند (و به مخالفت با دستورات الهی برمی‌خیزند)؛ پس فرمان (وقوع عذاب) بر آن‌جا واجب و قطعی می‌گردد و آن‌گاه آن مکان را سخت درهم می‌کوبیم (و ساکنانش را هلاک می‌گردانیم).

قبل از روی کار آمدن نظام‌های فاسد فعلی، ارزش‌ها از پایه‌های اساسی عزت، قوت، نیرومندی و سعادت مسلمانان به‌شمار می‌رفتند؛ به‌گونه‌ای که طوری میان یکدیگر زندگی می‌کردند که در آن هر ارزش به هدف اصلی آن استفاده می‌شد و اصل همکاری و ترحم در میان‌شان حاکم بود که در نهایت تمدنی را تشکیل دادند که جهان از رشد فکری و اخلاقی آن‌ها در تمام عرصه‌ها شگفت‌زده شده بود.

رسانه‌ها از ابزار اصلی نابودسازی اخلاق، بیمارسازی روان‌ها و عامل کلیدی انحطاط افراد جامعه به‌شمار می‌روند که از سوی غرب برای این کار استخدام شده‌اند که به طور مثال آن‌چه که در یمن در گذشته و امروز اتفاق افتاده است را چنین بررسی می‌کنیم:

امروزه:

بعد از آن که آتش نظام سرمایه‌داری و ابزار آن دامن‌گیر مردم یمن گردید، به انواع متعددی از مشکلات؛ مانند: فقر، گرسنگی و وحشت مبتلا گردیدند، ارزش‌های انسانی در آن‌جا از بین رفت، حتی کار به جایی رسیده که اگر محتاجی درخواست چیزی نماید به او داده نمی‌شود و اگر مظلومی درخواست کمک نماید کسی با او کمک نمی‌کند.

نظام‌ها این‌گونه در مسیر فاسد ساختن جامعه گام بر می‌دارند و از سویی دیگر حاکمان ظالم در همکاری با سازمان‌های غربی جهت وارد ساختن این سازمان‌ها به یمن و فاسد ساختن جوانان به ویژه دختران بسیار با عجله کار می‌کنند. دختری که بر اساس اخلاق، عفت، شرم و حیا تربیت یافته است به مانند کالای بی‌ارزشی در دست سازمان‌ها و گروه‌های حریص در حلال ساختن فساد قرار گرفته است، سازمان‌هایی که پدران را با پرداخت مبلغ مادی مانند پرداخت حقوق/معاش به کارمندان در این سازمان‌ها - با بهره‌جویی از عدم وجود کسب و کار کافی در جامعه - فریب می‌دهند، و پدران نیز دختران‌شان را به هدف دریافت کار - در زمانی که حکام از مسئولیت‌های‌شان در برابر رعیت‌شان خالی کرده و مردم را در زیر خط فقر قرار داده‌اند - تسلیم این سازمان‌ها می‌کنند و همین که ببینند سازمانی به یمن آمده به سوی آن شتافته و دست کمک به طرف آن دراز می‌کنند و با نادیده گرفتن هر نوع منکرات مشغول کسب لقمه نانی شده و در مقابل یک مشت گندم در برابر فساد و منکرات سکوت اختیار می‌کنند.

در گذشته:

نظام سابق یمن به رهبری علی صالح به خاطر تامین رابطه مصلحت‌آمیز مردم با حکومت تلاش فراوانی می‌نمود، طوری که توسط پول، حمایت بزرگان قبایل را به دست آورده و از این طریق آن‌ها را فاسد می‌ساخت که در نتیجه معیار عمل در نزد آن‌ها تغییر یافته و مصلحت به عنوان معیار اعمال‌شان قرار گرفته و این معیار، آن‌ها را با خود به هر سو می‌کشاند - با تاسف که این یک حقیقت آشکار است -.

خلاصه:

بدون شک جوامع انسانی به ارزش‌های واقعی در زندگی دنیایی‌شان دست نمی‌یابند؛ مگر توسط کسب ارزش‌های چهارگانه: روحی، مادی، انسانی و اخلاقی و تطبیق هر یک از آن‌ها در جایگاه اصلی‌شان می‌باشند. بناء جامعه‌ای که این ارزش‌های چهارگانه را کسب نماید در حقیقت یک جامعه بیدار و پیشرفته خواهد بود، و امروزه هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که این ارزش‌ها در آن به سرپرستی دولت تحقق یافته باشد و هیچ نظامی بدون دولت خلافت راشدانه ثانی این ارزش‌ها را در جامعه متحقق ساخته نمی‌تواند.

اگر مردم با غیرت و جوانمرد و اردوی با ایمان کشورهای اسلامی هرچه زودتر به خاطر از میان برداشتن این نظام‌های فاسد و برپایی دولت خلافت به جای آن‌ها اقدام نکنند؛ به زودی این شکاف بیشتر گردیده و شاهد خارج شدن دختران و پسران‌شان از دست آن‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به کالاهای بی‌ارزش خواهند بود، که در آن هنگام زندگی هیچ سودی نخواهد داشت.

به همین دلیل بالای هر مسلمان لازم است تا جهت کسب ارزش‌ها و تطبیق آن‌ها در اهداف اصلی آن تلاش نمایند؛ تا در نتیجه تطبیق آن و با انجام هر عمل رابطه‌اش را با الله، انسان‌ها و زندگی درک نماید، و هیچ راهی برای مسلمانان به جز از میان برداشتن نظام‌های دست‌نشانده که از ارزش‌ها به خاطر رساندن منفعت به کفار و نشر فساد در سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌کنند، وجود ندارد، و همواره کسانی هستند که به خاطر بیدار ساختن امت و برگشتاندن دوباره قدرت، هویت و ارزش‌های امت کار می‌کنند و هیچ‌گونه فرصت‌رهایی از این بدبختی به جز ایستادن در کنار آن‌ها وجود ندارد، تا باشد که دولت اسلام به آن باز گردانده شده و مسلمانان بار دیگر توسط ارزش‌های عالی و همیشگی‌شان به بیداری فکری و اخلاقی دست یافته و توسط پای‌بندی کامل به عقیده اسلامی سایر مردم را در آن ذوب ساخته و ارزش‌های اسلامی را به هر گوشه‌ای از این کره خاکی برسانند.

نویسنده: احمد کباس - ولایه یمن

برای دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر

۱ ذی القعدة ۱۴۴۰ه ق برابر با ۴ جولای ۲۰۱۸م